



درآمد

فرزند مرحوم حقانی که در حال حاضر تولیت مدرسه حقانی را به عهده دارد، در باب تاسیس و اداره این مدرسه، از هر فرد دیگری مطلع‌تر است و از همین روی اطلاعاتی که ارائه می‌دهد، بسیار دقیق و ناب هستند و در زمینه تاریخچه مدرسه حقانی، بسیار مفید تواند بود. با تشکر از ایشان که به‌رغم ضیق وقت با مهربانی پذیرای ما شدند.

■ «شهید قدوسی و تاسیس مدرسه حقانی» در گفت و شنود شاهد یاران با  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین حقانی زنجانی

## مدیری مدبر و قاطع بود...

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از کارنامه مدیریتی و علمی آیت‌الله قدوسی به مدرسه منتظر به باز می‌گردد؛ تاریخچه مدرسه و تحولاتی را که در آن پیش آمده است، بیان کنید.

مدرسه منتظره (حقانی) در سال ۱۳۷۸ ه. ق. ۳۴ سال قبل، توسط مرحوم حاج علی حقانی با همکاری مرد خیر دیگری و با نفقه و مباشرت خود او در حوزه علمیه قم، واقع در پل آهنچی، به نام مدرسه «المنتظر» بنا شد. این مدرسه، به منظور تربیت و نیل طلاب به مقام اجتهاد، تأسیس شده و ۷۲ حجره، ۸ مدرس و مخزن کتابخانه و سالن مطالعه و مسجد و چند حمام و آشپزخانه دارد. طبقه اول مدرسه را وقتی می‌ساختیم و هنوز نیمه کاره بود، روزی آقای حاج احمد، پیشکار مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، رضوان الله تعالی علیه، بعد از اتمام درس خارج فقه، در مسجد اعظم که بنده نیز در آن شرکت می‌کردم، نزد اینجانب آمد و اظهار داشت: «آقا (مرحوم آیه الله بروجردی) مایلند از مدرسه دیدار نمایند».

خیلی خوشحال شدم و فوراً به مدرسه آمدم و به مرحوم ابوی خیر دادم. همان موقع هم کسی را دنبال مرحوم آیه الله حاج سید احمد زنجانی فرستادم تا تشریف بیاورند و در موقع تشریف فرمایی مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، در مدرسه باشند. ایشان بلافاصله به مدرسه آمدند. از این طرف هم، مرحوم آیه الله العظمی بروجردی به مدرسه تشریف آوردند. ایشان از بنیان این مدرسه بسیار شادمان شدند و مرحوم پدرم را تشویق و از کیفیت ساخت و برنامه آینده سؤال و در آخر سخنانشان فرمودند: «من نیز در پیشرفت کار ساختمان و پیشرفت برنامه، شما را یاری خواهم کرد.» متأسفانه پیش از یک سال نگذشت که آن بزرگوار،

دارفانی را وداع کردند و از برکات وجودی ایشان بی‌بهره ماندیم.

با توجه به نقشی که پدر شما در تاسیس این مدرسه داشته‌اند. به اختصار به زندگینامه ایشان اشاره کنید. پدرم به نام علی از تجار زنان بود و علاقه شدیدی به اسلام و تشیع و ائمه اطهار (ع) داشت. وی در اول سال ۱۳۶۲ شمسی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سن ۸۶ سالگی دارفانی را وداع گفت. از اهم برکات وجودی ایشان، مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظره یا حقانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیه با

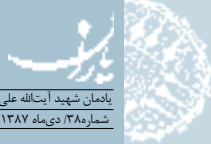
**در زندان قزل قلعه شهید قدوسی را برای اولین بار دیدم. در یک سو ما و آقای ربانی و آقای محمد منتظری و آقای جنتی و ... بودیم و آن سو هم آقای قدوسی و آقای منتظری بودند. گاهی برای اینکه در حیاط قدم بزنیم، بیرون می‌رفتیم و همدیگر را می‌دیدیم. این آشنایی اولیه بود که بعد در مدرسه بیشتر شد.**

نفقه خود و با اخلاص خاصی آن را تاسیس کردند. ایشان روحیه مخصوصی داشت و قبل از اینکه مدرسه را بسازیم، بارها به من می‌گفت: «من با خدای خود عهد کردم که ۷ مدرسه بسازم.» اما بودجه‌ای هم نداشت. حتی رفته بود در زنجان یک زمینی خریده

بود و می‌خواست مدرسه بسازد، اما ما نگذاشتیم و گفتیم آنجا کسی نیست و بی‌فایده است. مدتی گذشت تا یک روز آمد و گفت: «من آن زمینی را که داشتم هدیه کردم به آیت‌الله مشکینی که الان مدرسه الهادی در آن ساخته شده است.» گفتم: «آخر ما چه کار کنیم؟» گفت: «من داده‌ام دیگر. خدا کریم است.» بعد دیدم که حاج آقا خیلی دلش می‌خواهد مدرسه بسازد. یک زمینی را نزدیک منزلمان در پل آهنچی پیدا کردم که ۱۰ هزار متر و مزرعه و باغات انار و ... بود. این مربوط به ۵۴ سال قبل است. گفتم: «حاج آقا! شما که دلت می‌خواهد مدرسه بسازی، من یک زمینی دیده‌ام. برویم نگاه کنیم.» ما آن زمین را متری ۴ تومان خریدیم و در آن گندم می‌کاشتند. از درآمد آن حاج آقا گاهی مقداری را به سادات می‌بخشید و الباقی را برای تاسیس مدرسه خرج می‌کرد. بودجه ساخت این مدرسه از آن زراعت بود.

**شروع آشنایی شما با آیت‌الله قدوسی به چه زمانی باز می‌گردد؟**

شروع آشنایی ما به داخل زندان باز می‌گردد. سال ۱۳۴۲ شمسی دوران بسیار سختی برای مدرسه و محصلان و مجریان برنامه‌ها بود. ساواک در آن دوران، نسبت به مدرسه حساسیت خاصی پیدا کرده بود. یک روز بعد از ظهر، طبق معمول همه روزه، وارد مدرسه شدم. دیدم جریان عادی نیست. مأمورین شهرستانی و اطلاعات و ساواک دم در مدرسه ایستاده و تمام حجره‌ها را در کنترل گرفته بودند. اول خیابان اراک، رو به روی کوچه منتهی به مدرسه نیز، ماشین‌های پلیس که داخل آنها کوماندها بودند، مستقر بودند. خواستم وارد مدرسه شوم، جلویم را گرفتند و پرسیدند: «شما که هستید؟» گفتم: «من متولی مدرسه حسین حقانی هستم.» بنده را به کامکار، رئیس اطلاعات شهرستانی آن



برنامه‌هایی را اجرا کنیم به یک فرد قاطع نیاز داریم. ایشان اهل نهان‌داری و قاطع است.» با این توضیح ما همه راضی شدیم و از ایشان دعوت کردیم. به نظر شما چرا دستگاه طاغوت نسبت به کیفیت تربیت طلاب و فعالیت‌های آیت‌الله قدوسی در این مدرسه، حساسیت خاصی داشت؟

این حساسیت بی‌دلیل نبود؛ زیرا اساتید مبرز مدرسه در پیشبرد انقلاب و بعدها در اداره نظام سهم به‌سزائی داشتند و دارند و در تربیت طلاب انقلابی و پرخاشگر سعی و تلاش فوق‌العاده داشتند. می‌توان به جرئت گفت مدرسه حقانی، مهسدا انقلاب و پایگاه اصلی مخالفت با طاغوت و سواوک بود و از این مدرسه اندیشه‌های انقلابی به دیگر مدارس سرایت می‌کرد. این سخن را رئیس شهربانی وقت، کامکار ملعون، که برای یافتن عکس امام و متوقف کردن فعالیت ضد دستگاه، به مدرسه هجوم آورده بود، به زبان آورد. وی گفت: «شما در این جا دارید چریک تربیت می‌کنید.» به دنبال همین جریان‌ها و فشارها بود که بنده دستگیر و در قول قلع زندان و شکنجه شدم. به هر حال برنامه مدرسه با مدیریت مرحوم شهید قدوسی تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

#### با انتقال آیت‌الله قدوسی به دستگاه قضا، فعالیت‌های مدرسه متوقف شد؟

در دوران پس از انقلاب برنامه مدرسه متوقف شد و من بعد از مدتی دوباره به فکر ادامه برنامه‌های مدرسه افتادم و با مرحوم شهید قدوسی تلفنی تماس گرفتم. این در زمانی بود که ایشان از طرف امام به عنوان دادستان کل انقلاب تعیین شده بودند. ایشان گفتند: «خود شما مثل سابق برنامه مدرسه را ادامه دهید. من دیگر فرصت اداره مدرسه را ندارم. اگر مایل باشید از برخی طلاب مدرسه نیز کمک بگیرید و بنده هم آماده همکاری هستم.» چند نفر را اسم بردند که آنان می‌توانند با شما همکاری کنند. آنان افرادی بودند که من از قبل با آنان آشنایی داشتم؛ از این روی موافقت کردم و برنامه مدرسه تا مدتی کما فی السابق ادامه پیدا کرد، لکن برخی از نواقص باعث شد خود نظارت کامل بر جریان مدرسه و پذیرش طلاب داشته باشم. البته مخفی نماند قبل از این، از دور بر برنامه‌ها و امور جاری مدرسه نظارت داشتم. مهم‌تر از همه اینکه اطمینان کامل به شهید قدوسی داشتم؛ از این روی، کمتر در امور مدرسه دخالت می‌کردم. اما پس از مشاهده اداره غیر صحیح اداره کنندگان پس از ایشان، ناچار شدم دخالت کنم. در این اثنا، حقایق تلخ و شیرین زیادی وجود دارد که برای طولانی نشدن مطلب، بیسان آن‌ها را به فرصت‌های دیگر موکول می‌کنم.

#### کیفیت پذیرش طلاب در زمان آیت‌الله قدوسی چگونه و بر چه اساسی بود؟

آن زمان پذیرش طلاب، به‌طور مستقل با مراجعه داوطلبین به مدرسه انجام می‌گرفت. داوطلبین، حداقل باید دارای مدرک سوم راهنمایی می‌بودند و با امتحان ورودی و آزمایش هوش، پذیرفته می‌شدند. علاوه بر این مصاحبه حضوری برای آگاهی دقیق از وضع خانوادگی، استعداد، احراز سلامت جسمی و روانی، آگاهی از انگیزه و هدف در انتخاب علوم دینی و ورود به سلسله روحانیت، احراز عدم وابستگی به گروه‌های منحرف و... انجام می‌شد. پس از این آزمایش‌ها و آگاهی‌ها، داوطلب باید تضمینی از سوی دو نفر از بزرگان و اساتید معروف حوزه جهت تأیید جهات اخلاقی بیاورد. پس از پذیرش، تا سه ماه، به‌طور موقت و آزمایشی مشغول به درس می‌شد. در این مدت، بر آورد می‌شد که آیا استعداد کافی برای تحصیل علوم

### شهید بهشتی گفتند: «ما در این مدرسه می‌خواهیم برنامه‌هایی را اجرا کنیم به یک فرد قاطع نیاز داریم. ایشان قاطع است.» با توضیحات ایشان همه راضی شدیم و از شهید قدوسی دعوت کردیم.

برنامه خاصی پذیرفت. این فکر در زمانی بود که هیچ مدرسه‌ای در حوزه علمیه قم، برنامه منظمی نداشت. من شنیدم مرحوم شهید دکتر بهشتی با همکاری مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی در یکی از مدارس قم، برنامه مختصری دارند؛ از این رو به مدرسه دین و دانش، واقع در خیابان باجک، مقابل مخابرات رفتم. در آن زمان شهید دکتر بهشتی، مدیر آن مدرسه بودند. با ایشان دیدار کردم و بحث درباره موضوع، به منزل ایشان موکول شد. در نشستی که در منزل، خدمت ایشان بودم، جریان بنیان مدرسه را توسط ابوی، به اطلاع ایشان رساندم و گفتم: «ما آماده‌ایم در مدرسه، برنامه منظم درسی را پی‌ریزی کنیم.» ایشان خیلی خوشحال شدند و تشویق فرمودند و اظهار داشتند: «اولین گام، در شروع تنظیم و تدوین برنامه درسی، این است که هیئت مدیره‌ای باشد که کارهای بعدی را انجام دهد.» گفتند: «چه کسانی را برای هیئت مدیره بر می‌گزینید؟» من اندکی فکر و چند نفر از بزرگان حوزه را پیشنهاد کردم. ایشان به‌جز یکی از این آقایانکه فرمودند: «با او نمی‌شود کنار آمد.» بقیه را پذیرفتند. افراد مورد نظر عبارت بودند از: حضرت آیت‌الله مشکینی، حضرت آیت‌الله حائری تهرانی، مرحوم دکتر بهشتی و بنده و هیئت مدیره، مرکب از چهار نفر تشکیل شد. مرحوم شهید دکتر بهشتی، اساس‌نامه برنامه ۱۶ ساله‌را تا حد صاحب‌نظر شدن محصلان مدرسه، پیشنهاد کردند که عبارت بود از: سه سال دوره مقدمات، پنج سال دوره سطح، شش سال دوره خارج فقه و اصول و دو سال دوره تخصصی در رشته‌های مختلف اسلامی از قبیل: فقه، اصول، فلسفه، حدیث، تفسیر و... مخارج مدرسه نیز از طریق مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی میلانی و حضرت امام تأمین می‌شد.

#### چگونه مدیریت مدرسه به آیت‌الله قدوسی واگذار شد؟

در ابتدا برنامه با مدیریت خود من انجام می‌گرفت و بعد از آن، از وجود حضرات علما میرزا محمد مجتهد شبستری و آقای شیخ زاده استفاده شد تا سرانجام از سال ۱۳۴۶ به بعد، با مدیریت شهید قدوسی، ادامه یافت. در جلسه‌ای که با حضور مرحوم شهید بهشتی، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله حائری تهرانی و بنده تشکیل شد، این موضوع مطرح شد که چه کسی برای مدیریت مناسب است. شهید بهشتی در آن جلسه گفتند: «من صلاح می‌دانم آقای قدوسی بیاید.» من ایشان را در زندان دیده بودم، با اینکه منزلتان هم نزدیک بود، شناخت کافی نداشتم. آیت‌الله مشکینی سؤال کردند: «این انتخاب شما چه دلیلی دارد؟» ایشان فرمودند: «چون ایشان لر است.» برخی خندیدند، ایشان گفتند: «منظورم این است که قاطع است. و ما هم در این مدرسه می‌خواهیم

روز، که در دستش دستگاه بی‌سیم بود، معرفی کردند. گفتم: «چرا به مدرسه وارد شده‌اید؟ چه می‌خواهید؟» کامکار ملعون گفت: «طلاب این مدرسه علیه حکومت و شاه مملکت فعالیت دارند.» گفت: «شما دارید چریک تربیت می‌کنید.» گفتم: «اینان سربازان امام زمان (عج) هستند.» گفت: «نه اینها چریک‌هایی هستند که شما آنان را تربیت می‌کنید و ما روزی در این طویله را می‌بندیم.» بعد چشمش به عکس بزرگ حضرت امام افتاد که بالای در بزرگ مسجد نصب شده بود. گفت: «این عکس دلیل ادعای ماست.» نزدیم آوردند و خواستند عکس را پایین بیاورند که عده‌ای از طلاب خواستند از این کار جلوگیری کنند که با عکس‌العمل شدید مأموران شهربانی مواجه شدند. یکی از مأموران، چندین سیلی به یکی از طلاب زد و بالاخره عکس را پایین آوردند و با خود بردند.

در پی این جریان بود که بعد از گذشت چند روز، مرا در نزدیک منزل دستگیر کردند و بعد از بازجویی و شکنجه و آزار، به زندان قول قلع‌ه بردند و حدود ۲ ماهی در آنجا بودم و سپس آزاد شدم. در زندان قول قلع‌ه در قدوسی را برای اولین بار دیدم. در زندان قول قلع‌ه در یک سو ما و آقای ربانی و آقای محمد منتظری و آقای جنتی و ... بودیم و آن سو هم آقای قدوسی و آقای منتظری بودند. گاهی که برای اینکه در حیاط قدم بزیم بیرون می‌رفتیم و همدیگر را می‌دیدیم. این آشنایی اولیه بود که بعد در مدرسه بیشتر شد.

#### مرحوم پدرتان از مدیریت آیت‌الله قدوسی راضی بودند؟

بله ایشان یک اهدافی داشت که محقق شده بود و در جزئیات دخالت نمی‌کردند و به ما واگذار کرده بودند. آیا مدرسه از ابتدا با همان شیوه خاص آغاز به کار کرد؟

خیر، پس از اتمام کار ساختمان مدرسه، پذیرش طلاب برای اسکان و تحصیل آغاز شد. در ابتدا، طلاب به شکل آزاد پذیرفته و در حجرات اسکان داده می‌شدند. بعد از مدتی به این اندیشه افتادیم که باید طبقه را طبق



■ شهید آیت‌الله دکتر بهشتی



منطق، معانی بیان، علم اصول، فقه، فلسفه، علم کلام و عقاید اسلامی و کتاب‌های مربوط به این دروس عبارت بودند از امثله، صرف میسر، تصریف، عوامل فی النحو (عوامل ملا محسن) هدایسه، صمدیه، منطق کبری از جامع المقدمات و کتاب سیوطی، حاشیه ملا عبدالله، منطق مظفر، مغنی باب اول و باب رابع، مختصر المعانی، معالم الاصول، لمعتین، رسائل، مکاسب، کفایتین، شرح تجرید، عقاید الامامیه و بدایه و نهایه. مرحوم علامه طباطبایی، دو کتاب: بدایه و نهایه را به تقاضای مرحوم شهید قدوسی، برای تدریس فلسفه در این مدرسه نوشتند. البته پس از انقلاب نیز، همین کتاب‌ها با مختصر تغییری، مثلاً به جای «مغنی» «تهذیب المغنی» و نظیر آن در برنامه آموزشی قرار گرفتند.

در زمان آیت‌الله قدوسی چه برنامه‌های جنبی دیگری در برنامه آموزشی مدرسه گنجانده شدند و این برنامه‌ها چه نقشی در تحول و ترقی محصلین ایفا کرده‌اند؟  
قبل از انقلاب، در برنامه مدرسه، دروس جنبی زیادی وجود داشتند، از قبیل: زبان انگلیسی، محاوره عربی، آیین‌نگارش، علوم طبیعی، تاریخ اسلام، عقاید، اخلاق، قرائت و تجوید قرآن. قرائت و تجوید، توسط استادان مجرب در این فن، مثل مرحوم شیخ قدرت‌الله قرائی تدریس می‌شدند. آیین‌نگارش، قبل از انقلاب توسط آقای آیت‌اللهی، از دبیران مجرب قم، تدریس می‌شد و بعد از انقلاب، مدتی متوقف شد، ولی دو باره در برنامه مدرسه گنجانده شد. لکن تدریس درس‌های علوم طبیعی، زبان انگلیسی، تاریخ اسلام و محاوره عربی پس از انقلاب، به خاطر تراکم دروس، به گونه تخصصی در مدارس تحت پوشش آموزشی و پرورش و برخی از نهادهای حوزوی، در برنامه مدرسه گنجانده نشد. بدون تردید، این برنامه‌های جنبی اگر خوب اجرا و طلاب با آن به خوبی آشنا شوند، در آمادگی طلاب و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و گفتگو با طبقه روشنفکر، دانشجو بسیار مؤثر است و در ارشاد و هدایت جامعه سهم به‌سزایی دارد.

**مدرسه نسبت به معیشت و شهریه محصلان چه تعهداتی داشت؟**

مدرسه از همان ابتدای تأسیس، مبلغی را به عنوان کمک هزینه تحصیلی به طلاب پرداخت می‌کرد، منتهی این شهریه قبل از انقلاب، طبق قرار داد مکتوب بین طلاب و مرحوم شهید قدوسی بود که ضمانت تحصیلی طلاب در آن قید شده بود. مبلغ اعطایی به طلاب مختلف بود. آن زمان، سطح آن به دو هزار تومان می‌رسید و اجاره منزل متاهلین نیز، علاوه بر شهریه، پرداخت می‌شد.

قبل از انقلاب در طول سی‌سه سال در مدرسه منتظریه (حقانی) برنامه‌ای به تجربه گذاشته شد که این برنامه با وجود مشکلات عدیده‌ای که هر طرح نوینی با آن مواجه است، تجربه بسیار موفقی بود. به نظر من، هم اینک نیز بهتر است کیفیت برنامه‌های موجود در حوزه علمیه قم به این ترتیب اصلاح شود و یک برنامه ۱۸ تا ۲۰ ساله (مدت آن در مرحله عمل ممکن است تغییر کند)، برای رسیدن به مرحله صاحب‌نظر شدن و مقام اجتهاد با

**آقای قدوسی در اجرای این برنامه بسیار دقیق بود. اگر طلبه‌ای کوتاهی می‌کرد و به برنامه‌هایی که باید عمل کند، عمل نمی‌کرد، نمی‌توانست قبول کند. فرزند یکی از بزرگان در مدرسه ما بود و به برنامه مدرسه اهتمام چندانی دقیق نداشت. ولی پدر ایشان آن موقع ماهی هفتاد هزار تومان به ما کمک مالی می‌کردند. با این همه یک روز آقای قدوسی آمد و گفت: «ایشان باید از مدرسه بروند».**

دینی و روحانی شدن دارد یا خیر؟ و اگر نداشت، عذرش خواسته می‌شد.  
**افراد پذیرفته شده، چه مدت تحت پوشش مدرسه بودند؟**

قبل از انقلاب، برنامه شانزده سال بود و طبق این برنامه، افراد می‌بایست، تا حد صاحب‌نظر شدن، تحت برنامه باشند. پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، یعنی هشت سال، اگر در روستا یا شهرستانی نیازی به تبلیغ بود، اعزام می‌شدند. طلابی که دوره‌های مدرسه را می‌گذرانند و در درس خارج شرکت می‌کردند، پنجشنبه‌ها یا داشت‌هایشان توسط استادشان بررسی می‌شد و مدرسه از این طریق در جریان کار آنان قرار می‌گرفت، ولی پس از انقلاب و همکاری با شورای مدیریت، برنامه مدرسه تغییر یافت. مرحوم آیه‌الله فاضل لنکرانی از من خواستند برنامه مدرسه و کیفیت آن با برنامه تدوینی حوزه و مدارس دیگر هماهنگ باشد؛ از این روی، مقرر شد طلاب طبق برنامه شورای مدیریت، تا شش سال تحت پوشش مدرسه قرار بگیرند.  
**در آن دوران چه علوم و موضوعاتی در مدرسه تدریس می‌شد و متون آنها چه بود؟**  
مواد درسی مدرسه عبارت بودند از: صرف، نحو،

دقت بیشتری تنظیم و تدوین شود. این برنامه، مشتمل بر دوره: مقدمات، سطح، خارج و دوره‌های تخصصی در رشته‌های گوناگون است که با گذراندن مراتب آن، پایان نامه رسمی از سوی حوزه به واجدین شرایط اعطا می‌شود.  
ما اینک ۷ سال است که دوباره این برنامه را با اجازه مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در مدرسه به اجرا گذاشته‌ایم. در دوره اجرای برنامه مشابه این برنامه در مدرسه، طلبه‌هایی بودند که دوره خارج را در حوزه تحت نظر اساتید مجرب حوزه می‌گذرانند و مرحوم شهید قدوسی با افرادی که در این مرحله (دوره خارج) تحت برنامه مدرسه قرار داده‌ای داشتند، به این نحو عمل می‌کردند که آنان در بیرون مدرسه در مراکز تحقیقاتی و کتابخانه‌ها کار تحقیق را پی بگیرند و نتایج آن را با ایشان در میان بگذارند. این کار انجام گرفت و پیشرفت خوبی هم داشت که با اوج‌گیری انقلاب، متوقف ماند. در برنامه پیشنهادی فعلی نیز باید به تمام ابعاد نیازمندی‌های طلاب تحت برنامه رسیدگی شود و حتی با آنان قرار دادهایی منعقد کنند و اگر در راستای تأمین اهداف حوزه گام بردارند، جنبه‌های رفاهی و مادی و آینده آنان نیز به‌خوبی تأمین خواهد شد.  
**از ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی شهید قدوسی نکاتی را ذکر کنید.**

آقای قدوسی در اجرای این برنامه بسیار دقیق بود. اگر طلبه‌ای کوتاهی می‌کرد و به برنامه‌هایی که باید عمل کند، عمل نمی‌کرد، نمی‌توانست قبول کند. یک مورد را خوب یادم است. فرزند یکی از بزرگان در مدرسه ما بود و به برنامه مدرسه اهتمام چندانی دقیق نداشت. پدر من آن موقع ماهی هفتاد هزار تومان به ما کمک مالی می‌کردند. یک روز آقای قدوسی آمد و گفت: «ایشان باید از مدرسه بروند». گفتیم: «چرا؟» توضیح داد. من در برابر ایشان چیزی نمی‌گفتم. فقط گفتم: «آقای قدوسی! من از پدر ایشان خجالت می‌کشم که به ایشان بگویم سرود بیرون، در حالی که این چنین کمک می‌کنند.» گفت: «عیبی ندارد.» و ایشان از مدرسه ما رفت. ■



■ مرحوم آیت‌الله حاج‌عزیزالله مشکینی